

« انواع کلمات در زبان فارسی »

* در پاسخگوی به سوالات باید توجه داشته باشید که نوع کلمه را خواستند یا نقش کلمه

انواع کلمات عبارتند از: ۱- اسم ۲- فعل ۳- حرف ۴- صفت ۵- قید ۶- ضمیر ۷- صوت

مثلاً: در جمله علی کتاب را از کتابخانه گرفت. **المرغ** کلمه‌های این جمله را بنویسید باید بگوییم:

علی، کتاب، کتابخانه ← اسم / از، را ← حرف / گرفت ← فعل

اگر در این مثال نقش یا حالت کلمات را از ما بخواهند می‌گوییم:

علی (نهاد)؛ چون ← در داخل جمله کنده کاری است

کتاب (مفعول)؛ در داخل جمله عمل گرفتن روی آن انجام شده

کتابخانه (متمم)؛ چون بعد از حرف اضافه آمده است.

نقش یا حالت کلمه: به غیر از فعل، نقش‌هایی که کلمات در داخل جمله بر عهده دارند عبارتند از:

۱- نهاد ۲- مفعول ۳- متمم ۴- متمم

۵- فاعل ۶- صفت ۷- مضاف الیه ۸- قید

۹- تکرار ۱۰- معرّف ۱۱- بدل

① راه تشخیص ساده اسم: راه تشخیص آن، این است که متونیم به زوال اسم، «ب» بیابیم و بعد از آن

کلمه دیگری را ذکر کنیم؛ یعنی اسم + ب + کلمه دیگر ملا:

اسم	دلیل
خسبه	چون می توانیم بگویم خسبه خوردن
سنت	چون می توانیم بگویم سنت جادوان
روان (جان)	چون می توانیم بگویم روان من

② راه تشخیص صفت: راه تشخیص ساده آن، این است که متونیم آن را بعد از یک اسم «ی» بیابیم؛

یعنی صفت در ساختار «اسم + ی + صفت» قرار میگیرد

صفت	دلیل
روان (= جاری)	چون متون گفت: آبی روان
گرم طبع	چون متون گفت: جو یابی گرم طبع

③ راه تشخیص فعل: توجه به کارکرد آن است. فعل کلمه ای است که بر انجام کار یا روی دادن حالتی در زمانی همراه

با شخص و شمار دلالت میکند. یعنی صرف فعل، سه مشخصه دارد: ۱- انجام کار یا روی دادن حالت ۲- زمان

شمار و شخص	فعل	دلیل
۳- شخص و شمار	است	مثلاً در جمله هوا سرد است، حالتی را در زمان حال به هوا نسبت میدهند
	گشت	مثلاً در جمله سگارچی گورن را گشت
		انجام دادن عمل گشتن را در زمان گذشته توسط سگارچی متون میدهند

④ راه تشخیص حروف: راه تشخیص حروف، ساختن افعال آن است. حروف به تنهایی معنی ندارند و در ابواب کلمات

یا جملات و یا نشانه برخی نفس ها هستند.

حرف	دلیل
لا	چون نشانه مفعول است
به	چون حرف اضافه و نشانه متمم است.
اگر	چون حرف ربط و نشانه ساز و نشانه جمله پیرو است.

⑤ راه تشخیص ضمیر: این کلمه، چنانچه اسم مسبوذ یعنی میتران به جای آن، یک اسم قرار داد.

ضمیر	دلیل
او	چون به جای او در جمله « او را دیدیم » می توانیم اسم علی را بگذاریم و بگوییم علی را دیدیم
ش	چون به جای ش در ترکیب کنایس می توانیم فاطمه را بگذاریم و بگوییم کتاب فاطمه

⑥ راه تشخیص قید: راه تشخیص آن، این است که حرف آن از جمله، ساختمان جمله را دچار نقص نمیکند

قید	دلیل
الآن	چون در جمله « اکنون به خانه خواهم رفت » اگر الآن را حذف کنیم ساختمان جمله، اشکالی پیدا نمیکند: به خانه خواهم رفت.
بسیار	چون در جمله « او دانش آموز بسیار دقتی بود » بسیار میتران دقتی بودن را مشخص میکند و اگر آن را حذف کنیم، ساختمان جمله بی ایراد خواهد بود: او دانش آموز دقتی بود

⑤ **راه تشخیص صوت:** راه تشخیص آن، این است که صوت، مفهوم یک جمله را در درون خود دارد و در

واقع سبب جمله محبوب می‌شود.

صوت	دلیل
زهی	چون به معنی «آفرین برتر باد است»
زهار	چون به معنی «آگاه باش» یا «در باش» به کار می‌رود.

بریم سراغ چیزها ترین:

نوع کلمات شخص شده لا در جملات زیر بنویسید:

۱- پس ما در های امید و رشنای لا به روی ما لبتای

پس ← بید است زیرا تیرا نیم آن لا از جمله حذف کنیم و بگویم: در های امید و رشنای لا به روی ما

گلتا / درها ← اسم است چون بعد از آن (پ) = ی آمده و به دنبال آن کلمه امید گذشته است /

ما ← ضمیر است برای اینکه می‌توانیم به جای آن یک اسم معادل با آن، مثلاً ملانان بگذاریم: پس در های

امید و رشنای را به روی ملانان گلتای

۲- ناگهان، جوای لا دید نا بنا که بر خاک آمده است. (شخص نزد نفس دستوری)

Subject:

Year: Month: Day:

ناگهان ← قید است، زیرا زمان وقوع فعل را نشان می دهد. مهمتر از آن، قابل حذف از جمله است.

جویی ← مفعول است، چون بعد از آن، حرف نشانه مفعول () قرار گرفته است. خاک ← متمم است،

چون بعد از حرف اضافه () آمده است.